

حقیقت

شماره ۱۳۸ - ۲۹ مهر ۱۳۶۰

برای وحدت اصولی

(دشمنانه از شماره پیشین)

۳

مادر دشمنانه، پیشین شریبه، حقیقت تیرخی نکات در مورد
میثاق آقای بنی صدر نوشتیم، در این شماره نیز بطور اجمال سه
برخی نکات دیگر اشاره میکنیم و بحث را عملاً به پایان میرسیم.

آقای بنی صدر درستی یکی دیگر از اصولی را که پایبند
در صفحه ۳

سرنوشت جبهه‌های جنگ به چه بستگی دارد؟

امروز این کلام بسیار
مانده از روزنامه‌نگاران
سبب جیبی انقلاب فرانسه، که
سوی دفاع از مین قبل از هر
چیز باید تکلیف خائنکاران
داخلی را بکمره کرد و بقل به
معنی، برای ما کاملاً معتاد
پیدا کرده است. امروز کشور ما
همچنان در یک محاصره
امپریالیستی و ارتجاعی
است، جنگ نوازگان آنست
سنی ها و همدستانان همچنان
ادامه دارد. از این لحاظ وطن
همچنان در خطر است. لیکن
امروز وطن بیش از هر زمان و
قبل از هر چیز از داخل و از
جانب آن خائنکارانی که از
حد و کودتا بر مستند قدرت
نشسته کشتار آزادی و زد و بند
با دشمنان وطن مشغولند در

خطر میباد. خمینی به انقلاب
و مدح جنگ سمعان عمل تدابیری
انقلاب در برابرتها جسم
مرتجعانه، خارجی هردو خیانت
کرده است و سازمان تبلیغات
رئوی او و دارو دستهای اش
در باره، با مطلع دفاع از مین
همانند سایر غوغایی ها -
بیان دروغ و سیرتگ است.
زیرا مسئله، کودتاگران اعلام،
که در این روزها و هفته‌ها روی
پادشاهان خونخوار گذشته را
سند کرده اند، به پیرو پیروزی
شراکت مندان در این جنگ
تحمیلی نموده بلکه پیروزی بر
قوای آزادی و تومسودر
نابودی کلیه، آثار انقلاب در
کشور ما میباید.
خمینی و دارو دستهای
کودتاگر زیر فرمان او از هر

لحاظ آماده و مشتاقند که بخاطر
حفظ حاکمیت بیوتالی خودشان
بر مردم همه، نوامیس ملی و
کلیه، مقاصد کجواتان این
کشور در راه آنها خون ریخته اند
خیانت گسند و خانت کرده و
سکندند. آنها برای بحالت
خوبش از افراد ناگوارانی و
شدیدی که در داخل کشور بیدان
دچارنده اند برای مقابله با
آموح شوقانزای مخالفت
عمومی مردم خالصند با سر -
قدرتها و ارتجاع منطقه و از
جمله ما برافروزدگان آتش
جنگ کنوسی یعنی رژیم
نح و زکارست و اربابانش
کنار سایر پندوتن به هرگونه
بستی و ننگ بدهند و میدهند، و
تاکنون بارها دست دوستی خود
را سوی این دشمنان کشور

در از کرده اند.
امروز در خطر جسمی و
هنگام آن شهبازش شهبان
دشمنی واقعی، ملت قهرمان
ایران است و از اینرو همه دشمنان
این ملت، اگر حاضر به کسار
آمدن با ایشان باشند، میتواند
شدید دوست آنها تبدیل شوند.
قبول طرح سازش با رژیم عراقی
سیهانه، با مصلاح وحدت کشور -
های اسلامی علیه مینویم از
سوی خمینی، که امروز در برنده
دودی از جوار و جنجال های محک
در باره، فتوحات دروغین جنگی
در حبه های جنوب زمین چینی
مشود، واقعبینی اخفاء ناپذیر
است. زیرا ما میدانیم و همه هم
میتوانند از زوری کردارهای
واقعی آنها در میدان های جنگ
در صفحه ۲

بیاد رفیق شهید تیمورتاش گویسانی

(تاریخ شهادت ۶/۴/۸ - بیمارستان شیراز ۱۹ ساله)

نیال آزادی و استقلال خون میجو اعدا ترک و تنومند
کرد و این تاوان را با بدکه انقلابیون و توده های ایثارگر و
رحمتکش بپردازند چرا که تنها جاره نجات آنها و تنها راه رسیدن
به معنوی این کلمات مقدس یعنی آزادی و استقلال جو بیسار
خون زحمتکشان و ستمبندگان است. راهی سرخ و پرفرازون شیب
و پرازگرگهای درنده و تیز دندان ارتجاع و امپریالیسم.
ستمدین داخلی در به سده کشیدن آزادی ها و قتل عام انقلابیون
و استقرار حاکمیت ضد مردمی و خودکامه و وابسته مردم حلقه های
رتسرها را برای زحمتکشان سنگ نرمیکسود دشمنان خارجی نیز
تحت دسایس امپریالیسم و اادی آن در منطقه عمدتاً به کشور و
در صفحه ۲

اخبار و اسرار کشور

شهید

■ خانواده ای در "طلاب" عروسی داشته اند. عقب روانت مینشینند.
با سزاران ایست میدهند و راننده نمیشود. تیراندازی میکنند.
مادر را زنده کشته میشود، راننده شروع به فحش دادن به خمینی
میکند، او را دستگیر کرده و صبح فردایش اعدام میکنند (۲۰ تیر)
■ در ساعت ۱۰/۵ شب ۳۵ تیر ما در میدان سوم "فد" دو نفر موتور
سوار با یک مسلسل به ستاد انتخاباتی مستقر در این میدان که در
طبقه، دوم یک ساختمان متعلق به یک حاجی حزب الهی قسرار
داشته نلیک میکنند و با رگبار مسلسل تمام نشسته های آن را می -
شکنند و سدهم محل را ترک میکنند. مدتی پس از این واقعه تمامی
افراد ای که در ستاد بوده اند هر کدام در نیال سوراخی برای قاپسم
شدن بودند و بعد از "مع غر" ستاد را خراب کردند و آستانه هم لافا طه
در محل حاضر میشوند تا آن دو سوراخ بگیرند !!!
در صفحه ۶

بقیه از صفحه اول
سرنوشت...

سرحنگ با عراق مسلمانی نیست؟
 چارچوبان حکومت خمینی و اعلامیه‌های ستاد مشترک کذابی دانشا از پیشروی در جبهه‌های جنگ دم میزنند و مثنیٰ نما و پیرما ختگی در باره فتوحات خویش برپا کرده تلویزیون سنا بشی میگذارند، ولی معلوم نیست پس چرا خود سرباران و پساداران حاضر در جبهه‌ها از این پیشروی‌ها و فتوحات هرروزه‌یی سخن نزنند. آری میگویند پیشروی میشود ولی نه! رزگری خودی نیست سنگری از دشمن در مقابلتان. بلکه از سنگری خودی به سنگری خودی دیگری در بغلنشان! یعنی هر چند وقت یکبار "حودالله" را برای رزگ کسالت و تلافی وقت از بسک سنگری سنگری دیگری که بس موازات آر کنند، اند میبرند و بعد میگویند پیشروی کردیم. چنین کلانی بزرگی را هیچ کس ناقیل از حکومت الهی نیستی نگردد بود. اما آن روز که سورتشان سازگاه الهی، که سنا مکنگ با کفر و الحاد خلی هرگونه بی شرافتی، بی‌بنا موسی حنایت و وطنفروشی را بر خود مباح میکنند، با دشمن خارجی کنا را مده بر سر خاک کشور معامله کردند لعل اینگونه کلانی‌ها چون روزروشی سر صقان روشن خواهد گشت. اگر بهلت بسا شد!

آنهایی که بخش عمده‌ای از شورت غارت شده، ملت ما را در قیبه، دروگانهای آمریکا - شی به "شيطان سزوک" بخشیدند از بخشیدن بخشی از آب و خاک اشغال شده، این ملت بسه شیا طین کوچک منافی به نخواهند کرد. از این سزوت که امروز نجات همه آن مفاصد شریفی که تاکنون خون عزیزان بسیاری در راه آنها ریخته شده، از جمله مقتد حنگ تدافعی ملت ما، در گرو معوونا بودی حکومت رذل و خاشن خمینی و همدستان

برای وحدت اصولی

بنیان پیشرفت و تنالی جامعه است، آزادی بیان دانسته اند. اینان بدرستی بر آزادی بیان، مطبوعات، عقیده، انتقاد، احزاب، آزادی زنان، بنوعی آزادی ملیت‌ها در چارچوب ایران مستقل و یکپارچه (در محدوده‌ی استقلال و نما مبت و یکپارچگی ارضی کشور با بدنه، اقوام از حقوق برابر برخوردار گردند و اداره ملی بر اساس بنیادشورا با خودشان باشد - ميثاق) ... تا کسد گذار به اندوا این آزادیها را جز حقوق اساسی آحاد ملت بر نمرده اند. ما خا اینهای قضیه ما آقای سنی بدر هیچگونه اختلافی نداریم و به همراه ایشان معتقدیم که در تحت حکومت جمهوری اسلامی، بسیاری از آزادیهای بالا که حقوق مسلم ملت و از اسباب بی چون و چرایی ترقی و تنالی کشور در این مرحله، تاریخی از انقلاب هستند، لگد مال گردیدند. معمارت دیگر انقلاب هور بر براری کامل اس آزادیها را در دستور کار خود در آورده‌اند. جامعه عمل بسا شد. ولی فقط اعلام این آزادیها و حقوق، نوشتن آنها در چارچوب (مثلا در قانون اساسی) و بسا سنگانی کردن آنها ضح دردی از دردهای این ملت محروم و اسیر را در اخواهد کرد. ما در طون هتصاد مال پس از انقلاب مشروطیت و نگارش قانون اساسی این انقلاب، که در بسیاری موارد آزادیهای ما را تصریح کرده بود، تا هدیوسم که بسیح مک امواد مصرحه در آن قانون عمل بشود مردم بسبب جزوه از آزادی بهره‌ای نبردند (بجز در دوران های کواهی که خنبتی نبوده‌ای مردم در حال غنجان و اعتلا بود). هم چنین ما همین قانون اساسی جمهوری اسلامی را در پیش رود آری که در بسیاری از همیسی حقوق تصریح دارند. اگر چه ما چمدین "اگر" و "اما" و محدودیت و ولی ما زهم خبری از آزادی و حقوق مسلم مردم در عمل و در عیست نیست. بند روزنامه‌های مخالف حق چاپ و انتشار دارند، به عقیده‌ای و مخالف (چه اسلامی، چه غیر اسلامی و غیر مذهبی) حق حیات دارد. بسا زمایشی جرئت گردش در دهان دارد و نه ... بسا سخن بر سر تصریح اسن آزادیهای حقه، مردم در نوشته‌های سنا، قانون اساسی و اعلام صوری آن نباشد باشد. شوالوشکل در جای دیگری بیفته است. سندها سناست که چگونه استوار این آزادیها را بصورت عینی و عینی در جامعه تعیین میکنیم؟

ملت ایران چه تصمیمی دارد که دوباره ما سنا در دوران انقلاب مشروطه محمد علی شاه بی نخبید در مجلس راه توپ سنا و سنا - بندگان واقعی ملت را در سنا حقه کند؟ چه تصمیمی دارد که سیدضیاء و رفاه خان قدری از آریا سنا، انگلیسی شان دستسور سنا گردند و سر غنه انقلاب و آزادی حما م چون سنا سنا سنا در واقع چنین تصمیمی موجود نیست! انقلاب سزوتی به سنا تعیین میدهد که گروه‌های سلطنت طلب - آریا سنا و آریسی و بالبرمان تا بختار و شرکا، گروه‌های ارتجاعی ارمدمسی و فتعاشی‌ها تا همالتی‌ها ایشان در ارتش و خارج از ارتش اسلامی، همگی سرمد سرمد ما بر غنه انقلاب و آزادی سنا سنا و آن را

ش و مرکوب کلیه اثر ارحامی این حکومت است. سناست انقلاب و کشور در کلیه ایضا داخلی و خارجش همه امروز در گرو برقراری یک حاکمیت انقلابی واقعی و یک پاکسازی خونین داخلی از غبانتکاران داخلی و ایضا از گور بر خاسته طایفه محسوس تحر است - کسه خمینی به درستی خود را سنا سردودمان خونخوارشان (یعنی آغا محمدخان) منایسه کرد!

والسلام!

بقیه در صفحه ۳

نیست، هر قدر هم خوب و منطقی و درست باشد، در مقابل ما حتی که
بر قدرت مسلح متکی است، فقط قدرت مسلح حق پیروزی و ناکست
ولاغیر... قدرت فقط از دهانه توپ بیرون میآید.

بهبما نگونه که ارتجاع با قدرت مسلح خود در دل مردم ترور و
وخت از حکومت خود می دواند، بهمان ترتیب انقلاب با قدرت
مسلح خود در دل ارتجاع ضربه خورده و از آریکه، قدرت بزرگشده
شده ترور و وخت ایجاد نماید. اما این قدرت مسلح با آن قدرت

کاملاً لگد مال سازند، انقلابیون به ملت تضمین میدهند که مدنی و
امثال مدنی همانگونه که در تابستان ۵۸ در غوزستان به نام اسلام
خون می ریخت و درست همان کارهایی را میکرد که مردم در آن
جمهوری اسلامی امروزه انجام میدهند (و در حقیقت اینها از روی دست
مدنی ها و آریها و نمیری ها رونویس کرده اند) مترصد فرصت
هستند تا نام "ملت" و "آزادی" (آری آزادی) فردا در ایسران
اجا م دهند. بیایران با درج این آزادیها در قانون اساسی
هیچگونه تضمینی در مقابل دشمنان قسم خورده، ملت و آزادی و

استقلال ایجاد کرده ایم و نسکیم.
ملت ایران چه تضمینی دارد که دوباره بهمانند انقلاب
۲۲ سهم از میان آنهایی که در صفوف انقلاب بودند، خائنینی
سرخبرند و اهداف انقلاب و مردم را لگد مال نکنند؟ چه تضمینی
موجود است که ما زار و رفته ای همانند حزب جمهوری اسلامی پیدا
نشود و بر هر چه بوشی از رفی و آزادی و استقلال در خود دار نیست
نگد و به ترور و قتل و کشتار و وطن فروشی روی بیاورد؟ واقعیت را
نگوئیم با زهم تضمینی موجود نیست! این پدیده، شوم، در تمامی
انقلابات رخ داده که حتی هائی که یا خود را در صفوف انقلاب جا زده
بودند و یا واقعا در صفوف انقلاب بودند (ولی از اقشار متزلزل و
مذبذب بودند) به اهداف انقلاب پشت کردند و آن را به قهقرا و
نیستی کشادند و بر هر چه نوشته و گفته، انقلابی هم بوده است نقد
انداختند. بیایران از نوشته و قول و قرار حرفی هم تضمینی برای
ملت و برای انقلاب بدست نمی آید!

نه تنها این امر یک حق ما به محسوب گردد، بلکه دولت انقلابی آن
دولتی است که راه ما به تسلیم مردم بپردازد و در بدینسان انقلاب را
در مقابل خطرات همه جانبه ای که آن را تهدید میکند محفوظ بدارد.
بدون این آزادی، عقبه مقط در سطح حرف باقی میماند. واگر به
فردای انقلاب، چند سال بعد کلی سرچیده میشود. نگاه می
تجربه، همین انقلاب بیفکند تا صحت گفتار ما ثابت شود.

در همین جا این نکته را بگوئیم که ما هم خواهان ارمیسان
برداشتن جنگ ها، قتل و کشتارها و از بین بردن تمامی اسلحه ها
هستیم. ولی این یک ایده آل انقلابی است که نه امروز، بلکه در
آینده قابل تحقق است. ما در دنیای واقعی زندگی میکشیم، در
دنیایی که با بر قدرتها و مرتجعین، منطق شان منطق تفنگ و اسلحه
و زور است. در مقابل این منطق شکننده، بحث آزاد (که در میان
انقلابیون و نیروهای شرقی باید یکا برده شود و نه در دعسوا
میان ارتجاع و انقلاب) کاری نیست. ما امپریالیستها و مرتجعین
باید با منطق خودشان سخن گفت. موثقی که دنیا از لوث و حسود
امپریالیسم و ارتجاع پاک گشت. آنگاه دیگر احتیاجی به جنگ
به زندان، به اسلحه و اعمال قدرت مسلح نیست. فقط آموئیم
ولی تا آنجا ما راهی طولانی در پیش داریم و باید پیش از پیش سر
قدرت مسلح انقلاب بپلرزائیم.

آقای بنی صدر در "میثاق" اشاره به شورا کرده و میگوید:
"در اداره سیاسی جامعه یک اصل دیگر که رویه بود و متروک شد شورا
بود." و اضافه میکنند که این شوراها در مقابل "احتماد سردی و
گروهی دوام نیاورد و متروک شد". در این باره ما بجدندنگتهای
به اجمال بگوئیم.

متاسفانه شورا حتی در آن دورانی که موجود بود، به معنای
یک "اصل" و یک "رویه" هیچگاه در دنیا مدوا زوایای گوساکون
با آن به مخالفت برخاسته اند (حتی خود آقای بنی صدر زمانی با
آن به مخالفت بلند شدند و ما بسیار خوشحالیم که امروزه این نتیجه
رسیده اند که اصل شورا ما بدست ما به یک رویه در انقلاب جاری گردد)
همچنین با پدا اشاره کرد که شوراها، نه به ما به ارگان های
مشورتی بدون قدرت، بلکه به ما به لودا و رگانهای قدرت و تصمیم
گیرنده در تمامی سطوح (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و.....)
با بدست ما آیند و ما با نظام حکومتی بر اساس نظام شورا نشینی
ریخته شود. زمانی هم که از شورا به ما به ارگان قدرت و تصمیم گیری
عقبه در صفحه ۴

تنها یک تضمین موجود است. فقط یک خلق مسلح قادر است
آزادی را تضمین کند. فقط با قدرت مسلح، ما زور میسوان از
آزادی حفاظت کرده و اجازه نداد که بدست ابر قدرتها و ابادیشان
و بدست خائین به انقلاب لگد کوب شود. تنها همین وسیله! هیچ
تضمین دیگری موجود نیست.
ممکن است در اینجا ما با اعتقادات آقای بنی صدر مدنی بر
رد "زورمداری" در شمارش قرار گرفته باشیم، ولی چاره ای نیست و
تجارب تاریخی ما نشان میدهد که جز این راهی نیست. محمد علی
شاه با تکیه بر یک قدرت مسلح (قزاقهای روسی لساخوف) به آزادی
حمله کرد و فقط با قدرت مسلح آزادیخواهان فرار را برقرار ترجیح
داد. رضا خان با تکیه بر نیروهای مسلح قزاق سراریکه، دیکتا تو
ری بیست ساله اش نشست. محمد رضا شاه با تکیه بر ارتش به کودتای
۲۸ مرداد دست زد و حکومت ملی دکتر معدق را برانداخت و با گسترش
اسباب سرکوب مردم به حکومت ۲۵ ساله کودتا ادا به داد. حزب
جمهوری اسلامی هم با ترور و کشتار و زور رقیبان را از میدان بدر
کرد. خود آقای بنی صدر قربانی این واقعیت است. ارتجاع عیسون
با تکیه بر زور (که معنای بی جز قدرت مسلح ندارد) بی رغمتما بسبیل
توده های مردم بر آنها حکومت میکنند، با تکیه بر قهر انقلابات را
در هم می شکنند. آنها با گسترش نیروی قهریه خود در دل مردم هراس
و خست می افکنند و حکومت ترور و دیکتاتوری ایجاد میکنند. و در
مقابل زور باید زور را یکا بر برد. در مقابل قدرت مسلح، حرف کاری

بقیه از صفحه ۲
برای وحدت ...

باشند، ما هم کاملاً با آن موافق هستیم. بهما نگویند که معتقدیم که پیروان دین مسیح در ایران باید برای آزادی و استقلال ایران مبارزه کنند، همانطور که پیروان زرتشتیان و ... و به همان گونه ما رکبیتها! ولی هیچگاه نمیگوئیم که مسیحیت و ابراهیت دوروی یک سکه واحدند.

استقلال (با "ابراهیت") یک خواست عمومی طبقات مترقی در جامعه ایران است، یک خواست عمومی همه نیروهای مترقی و انقلابی ایران است، بدون در نظر گرفتن اعتقادات ایدئولوژیک و مذہبی آنها. در صورتیکه اسلام، یک اعتقاد دینی است، اگر چه اکثریت مردم ایران معتقد به اسلام هستند، هیچگاه نمی بایستی یک وقفه عمومی انقلاب را با مایل شخصی آحاد این انقلاب جمع زد و مخدوش ساخت. در غیر این صورت در تکامل خود به سراه کشته خواهد گشت و به افراط گاریهای امروزین (تحت لاسوای "مکتب") دچار خواهد گشت.

اهداف انقلاب ایران بطور کلی عبارتند از استقلال و آزادی، در این اهداف مردم ایران، بخصوص زحمتکشان ایران، تریک هستند بدون توجه به اعتقادات ایدئولوژیک و مذہبی شان. پس یک کارگر مسیحی و یک کارگر مسلمان در مورد این اهداف عینی اختلافی نیست، و یک کارگر مسلمان هیچگونه برتری بر کارگر مسیحی در این مورد ندارد. بنا بر این انقلاب باید بر اساس اهدافی که دنبال میکند مشخص شود و نه اعتقادات ایدئولوژیک و دینی شرکت کنندگان در آن. از این رو ما معتقدیم که انقلاب مردم ایران مینابستی اعلام دارد که در جامعه ایران آزادی عمیده و آزادی مذاهب وجود دارد و دین مینابه، یک امر عمومی است و ملت محسوب گردیده و قابل احترام است. در عین حال باید بدانیم که دین از دولت جدا مینابد. از همین روست که باید نظردر قانون اساسی، نمایندگی فقط بعنوان برداشتن یک اصل ولایت فقه از آن باشد، بلکه یک تحدید نظر نیسادی و کسبی در آن باید محاسب آمد. دقیق تر گوئیم که قانون اساسی سوسی مابند بوسیله مجلس مؤسسی که از طرف حکومت انقلابی موقت فرا خوانده میشود تدوین شود که بر اصول اساسی انقلاب بر مبنای اهداف انقلاب مینبستی باشد. آقای سنی صدر در "مبشاق" این نکات مهم و اساسی را مهم گذارده اند.

در مبشاق، نکات بسیاری دیگر، که بسیار مهم و اساسی نیستند، در اینجا مابقی مابده اند. بعنوان مثال روابط مالکیت در جامعه که مادر بخش دیگری در مورد سرمایه های امپریالیستی و وابسته مسئله، زمین برای دهقانان به احوال در مورد آنان سخن گفتیم. از همین گونه نکات مابنده حقوق میلم کارگران ایران اشاره کرد. مسائل دمکراتیک طبقه کارگر، یعنی حق اعتصاب، ساعت کار و در صورت تدوین یک قانون گسبار دمکراتیک تحت نظارت خود کارگران و نمایندگان آنها مینابستی تا کند شود.

مادر همین جا بد بررسی احوالی خود در باره "مبشاق" با ما میدهم. این نکات همانطور که در ابتدا گفتیم نه برای نیشتر زدن بلکه برای روشن ساختن راه و حصول موفقیت و حفظ پیروزی اظهار شدند. این مباحث مطمئناً با این نوشته های کوتاه حل نخواهند گردید و محتاج بحث و مذاقه بیشتر هستند. ما عینی هستند که از یطن دردها و رنج ها و مشکلات مردم و انقلاب بر میخیزند و به ما دگی قابل حل نیستند. ما بتوبه خود در آینده بیشتر به این مباحث خواهیم پرداخت.

حق میگوئیم مبنای آنست که این ارگان ها دارای قدرت اعمال تصمیمات خود هستند. در مقیاس جامعه این امر بهیچ معنایی جز داشتن قدرت مسلح نمیتواند باشد. در غیر این صورت ثوراها بهمان مردوشی دچار خواهند شد که آقای سنی صدر در باره آنها گفته است. یعنی بی شمویی محتوی و بی فایده و سنا بر این متروک خواهند شد. چاره ای هم نیست.

آقای سنی صدر یک نکته را در "مبشاق" خود بی جواب نمانده است. و قبول معروف از آنرا آن گذشته اند و آن هم تکلیف حسی نظام است مینابه میوری اسلامی. البته منظور ما آنجه که در واقع موجود است مینابه شده آنجه که در آینده ها و امال و آرزوهای سنی صدر خواهد شد.

آنچه که در واقعیت ما مینابه جمهوری اسلامی مینابه مملکت مابا گوشت و پوست و خون خود آن را المی میکند. از نقطه نظر قانون مینابه (مابیشتر یک رژیم حقوقی) عبارتست از حکومت نیشوا سان مذهبی (مابدین بر پیشوا سان، پس اسلام، مذهب شیعه، حنفی و ...) بر مبنای شکل خود در اصل مربوط به ولایت فقهی "منفک سر گردیده است. اس نظام حکومتی، یک نظام مینابه ای است. و اگر واضح بخواهیم صحبت کنیم حتی از منحنیت، معتقد به سراه سنی صدر است. چرا که نه تنها مابمی قدرت تصمیم گیری، مابم قدرت اقتصادی و سیاسی را در یک مجمع میکند، بلکه مابان حسیه، نیشوا رخدائی نیز میدهد. اگر در گذشته سلطنت موهبت، لیبسی مابسلطنت مابهای خدا، اس یکی خود حکومت خداست و سلطان، مابینده خدا!!

رنی اس نظام حقوقی، اس حکومت پیشوا سان مذهب شیعه، در همین حد محدود مینابه مابده در واقعیت امر عبارتست از حکومت طبقات ارتخاتی در زیر سر برده دین. یعنی آنکه طبقات مخالف استقلال و آزادی به بهترین وجهی آردین برای اعمال سمدرس نوع دیکتاتور می اسناد، مینکنند. انقلاب مابینده مکتب خود را مابین نظام بطور قطعی روشن کند.

آقای سنی صدر روشنی مخالفت خود را با "ولایت فقهی" یعنی مابتاسی این نظام ابراز داده اند. اساس خود بسیار قابل مینابه است. ولی مینابه مینابه ما محدود مینابه کرده.

آقای سنی صدر در "مبشاق" تکلیف قطعی مابرا ما حکومت مابسی، اس حکومت مذهبی روشن نکرده است. مثلاً میگویند که: "یکی از اصول اساسی که ... مورد قبول موبد آقای حسی بودیست و رای مابده ماب آمدن اسلامیت و ابراهیت بود." "ابراهیت" گروازه دقیق و درستی باشد بهیچ معنایی حبت جز کوشش و مابهد مینابه ایران برای استقلال ارتخا و زون و خود مابملطسه امپریالیستی خارجی. اس بهترین مفهومی است که مابان مینابستی فهمیده شود.

"اسلام" یک دین است. اعتقاد به اسلام عبارتست از اعتقاد به خدا و خاورا، الطسبه به گونه ای مشخص که وظایف مشخصی را برای مینادین آن بوجود می آورد. ولی ما نمیدانیم که چگونه این دو با هم جمع زده میشوند و دوروی یک سکه مینابه مینابند. اگر منظور این باشد که معتقدین به اسلام مابند در فکر استقلال و آزادی انسان

بقیه از صفحه اول
**بیاد رفیق شهید
 تیمورتاش کویانی**

تفتیش عقاید در عرصه جنگ و مقاومت، دسترسی به امکانات بیشتر و نزدیکی بهتر به جنبه های جنگ و حضور فعال در کنار رزمندگان ایرانی در بسیج ثبت نام کرد و تا شهادت در جنبه های ارونکنار، جزیره، مینو و جنبه های "قدن" و "ذوالفقاری" بسا مزدوران یعنی جنگیده و در عقب راندن آنها از خاک میهن عزیزمان و شکستن حلقه محاصره آبادان، این شهرو مقاومت و حماسه آفرینی فرزندان خلق، سهم بود.

رفیق تیمورنگامی که از جنبه به منزل سکونتشان برای استراحت رفته بود و اما بابت ترکش خمپاره مزدوران ستمی قرار گرفت و از ناحیه ساق پای چپ و شکم زخمی شد و چند روز در بیمارستان طالقانی آبادان بستری گشت. سپس از آنجا به بیمارستان ممدق شیراز منتقل شد. در آنجا با خطر... به میل شهدای راه استقلال و آزادی میهن پیوست و شهادت جو بسا آزادی و استقلال را رنگین تر ساخت. چرا که برای بارور شدن استقلال آزادی و استقلال باغی میسر و تجربه دیده لازم است که رهبرین کردن درختان هر از استبداد و استعمار رها شود و تیغ آنان را بسا دستان پسته بسته خود بکند و دور ریزد تا صدمه ای به آن نرسد و تنومند گردد و تیمور در بیچ و تاب راه تجربه برای انجام اسنادت به شهادت رسید. روانش تا دوران شایسته بر ملایت و خاطره اش ماندان. اتحادیه کمونیستهای ایران غم عرس تسلیمت بخاطر بر فقدان این رفیق و تبریک به خانواده این رفیق عزیز برای بروراندن چنین انقلابی جویری و به همه یاران و همسران او و همچنین همه مردم قهرمان ایران، سوگند یاد میکنم که تا آخرین قطره خون برای رهائی میهن از دست اشغالگران بعنسی و حامیان امپریالیستشان و مستبدین خونخوار داخلی و به پیروزی رساندن انقلاب ایران مجاهدت نماید.

درود به همه شهدای جنگ و انقلاب ایران
 جاوید باد خاطره رفیق شهید تیمورتاش کویانی

نکته انقلاب را دارند و جنگ تحمیلی عراق در به اشغال کشیدن بخشی از خاک عزیز کشورمان به تحریک و نقشه امپریالیسم جهانی و بخصوص امپریالیسم آمریکا عرصه جدیدی از مبارزه را بر روی انقلابیون و بخصوص کمونیستها گشوده و بسیاری از دایان و حامیان خلق میدان مبارزه را به بیانه انحراف طلبی های حرب خاکم و سپیروهای مترلزل شریک در قدرت ترک نموده و به دیدن رسیده، نقش امپریالیسم آمریکا را در این جنگ و حمایتش از برای رانگی کردند. اتحادیه کمونیستهای ایران با رهنمودی درست و مارکسیستی ریشه این انحرافات را بیرون کشید و پیوسته سعادت اعطاء و هواداران شرکت فعال در جنگ تحمیلی و دفاع از میهن و انقلاب را به هر طریق ممکن تا کشید نمود. سراسر این تحویل صحیح، رفقا از نما مفاظ کشور تحت نظر تکنیکال و برای شرکت در جنگ تحمیلی رهبا ر حوزستان میگردیدند و فضای محلی به پیشوا از آنها مشتاقانند. تیمور هم یکی از این رفقا بود که با شروع جنگ و با آن سی کم و تجربه اندک از مکتب انقلابی مال میچکا حاضر به ترک شهر نگردد و در کنار رفقای همزمش در کمک به ممدومین جنگ شرکت فعال داشت. رفیق تیمورتاش کویانی یکی از فرزندان رحمتگر و فخر دیده شهر آبادان بود که در مرحله فقیر نشین "سده" بدنیا آمد. همراه یک خواهر و برادرش چهره فقر و بنداری را چشیده بود و همین زندگی بد و روحیه ای پر خاشاک و حشوگر گریخته بود. پدرش مبارزه با ادویج مروشی داشت و مادرش سیزدهمین رستان امداد گران (شیر و خورشید سابق) کار میگردولی با ایر وجود از یک زندگی متوسط تیر محروم بود و به این واسطه تیمور فرزند فقر و کمبود سو و خاطره همین خصمه بیبندی تا کستنی با طبقه رحمتکش و زجر دیده داشت. عرصه که کمبودهای بسیاری در دوران طفولیت تا نوجوانی مانع ارتگرش صحیح و واقع بینانه تفکر و نسبت به مسائل جا مع بود. اما انقلاب ایران او را همچون هزاران نوجوان دیگر و در عرصه فعالیت و مبارزه نمود.

بر خورده و در سن ۱۸ سالگی با رفقای دانش آموز در "ستاد" و کارهای سیاسی دانش آموزی، بگوش اساسی و انقلابی بسا او بخشید و در کار محلات و تسلیفات استعداد های عملی خود را به نم ظهیر رسانید و با آموزش سیاسی و ترکیب عمل و تئوری و رشد نسبی و فکری از او انسانی صمم ساخته میشد. چرا که در هنگام جنگ آنوقت که خانواده اش همراه دیگر مردم جنگ زده آبادان را ترک میکردند حاضر به ترک شهر نگردد و در کنار رفقای تشکیلات در بر نامه های "ستاد مقاومت جنوب" که بسویله رفقای مسئول تهیه میکردند شرکت فعال داشت.

غیرت کن و برخیز

احوال و نظامات وطن زبروز سرشد
 وقت طرب و عیش نشد، وقت خطر شد
 آن جرعه که نوشید وطن از لب کوشش
 در جام خیانت، ز خود زهر کشش
 اسباب خلافت جو بگتند در خمینی
 از قمر جاران سوی دیوان محبت
 آوچ که دو صد ملت نمود مرگ بر این حزب
 گزید و ولادت بی آتوب و سرور شد
 کاسینه ای از دزد و حشیر سر هم کرد
 کاسینه کهنه، مینر و یک طوله حرن شد
 ارباب خرایدر شاهان نگرفتند
 هر آدم حق گوی ز گفتار حذر شد
 مستند قبیلهان زمی خون حوشتان
 مبنای خلافت عدم نوع بشر شد
 در فکرها ران منوای فرد و وطن دوست
 با یاد خزان رنگ برومخ دگر شد
 با این فقها از شرف و عرض مکتور ف
 گوش فقها بر تو و امثال تو کوشش
 هان ای همه یاران وفادار و وطن دوست
 اینک که برخاستن و دفع ضرر شد
 هیهات اگر دیر بجنبید به فردا
 چون مام وطن جان ز قشقرق و دیر شد
 دندان به سر لب بگذارید و بخالید
 کآن وقت گرانمایه به بیبوده هدر شد
 آمال دل مردم ما حکم قیام است
 تا ریخ چنین گفت، چنین نیرت شد
 هر تیر مسلسل که رود سوی قبیله
 گوینده های مادران نیک اثر شد
 هر چوبه داری که شود دعا ترو بر پیا
 تکمین دل خسته و زجر خون بدر شد
 گر عزت مردم طلبی، بوقت قیام است
 غیرت کن و برخیز، کنون روز خورشید

بقیه از صفحه اول

اخبار سیاسی کشور

مدتی قبل مقرر آنها در کتوت شیخ تعطیل شده است ولی دو نفر دیگر را دارند در مخالفت با هیئت با صلاح یا کمازی ۸۰ تا ۹۰ نفر از ۱۳۰ نفر کل افراد این کمیته استفاده و تعدادی هم قرار است بدهند.

در سیاه آبادان تنبیه های جدیدی صورت گرفته است. ارجحی تمام افراد بخش پذیرش سیاه و مسئول و معاون سیاه هم عوض شده اند. افراد تنبیه ای موجود در ارگانهای آبادان بخیریه کمیته اموال سرورقه و سیاه افراد نیروهای مترقی را شنا سانی کرده و دستگیر میکنند و تحویل سیاه میدهند و بعد میروند خانه های آنها را سیاه دنبال مدرک "جرم" میگردند.

شب ۳ مرداد و صبح ۴ مرداد تمام مجبیه های آبادان در کیمبری سردوشهر هم بدست رسا رالی شد. گویا قرار بوده نیروهای ایرانی حمله کنند که با عدم عمل عراقیها مواجه شدند. تلفات سنگین بوده و مدفولی ۳۵۰ کشته و زخمی بجای گذاشته است. بگفته یک سرباز قرار بوده حمله شود ولی در اثر خیانت یک افسر و بیوستن او سیاه نیروهای عراقی و همچنین عدم پشتیبانی نوبخانه خودی ایسی حمله با شکست مواجه شده. هر چند این خبرها درست بنظر نمی آید.

این سرباز میگفت قرار بوده حمله بنام رهبری جمهوری جدید باشد. ۲۵ مرداد ۱۳۶۰ - جندی بیش در منطقه مدتی آبادان شخصی به نام منوچهر مدانی منتقل رسید. حوالی ساعت یک سه چهار رتبه در نقابدار وارد خانه اش میشوند و غیرا منوچهر مدانی یک فک سرد ۱۲ - ۱۵ ساله هم بوده که دست و پا پیش را میبندند. فداشی را بی هوش کرده و با یک گلوله در معزش او را میکشد. منوچهر مدانی تنبیه ای بود و گفته میشود که او و چند نفر از افراد حمله شان در ابتدای جنگ که در آبادان بوده اند مقداری از تجهیزات آورده بودند و نقابداران آمده بودند از منوچهر پرس بگیرند که او داده و در نتیجه کشتنش بچه دست و پا بسته گفته بود که نقابدارها را از مدایشان ساخته و آنها از بچه های محلی اندو اکسیر در کشته شده.

۴۸ سیاه ها را میکشند. حدود سه ماه پیش نیز چنین قتلی در مسرود یک تنبیه ای دیگر بنام مسرور مدانی که معلوم بود: تفاق اسناد.

ارجحی گفته پیش در مسیح گفته شده که نیروهای بومی مسیح و سیاه ارجحیها بیرون کشیده میشوند و برای "مخاطبت شهر (مبارزه با مداخلات) به شهر برده میشوند. مخاطرات امروزه مخالفت شدید بوجود آمده و از چند مسرور کشته شده یا اکثر مخالفت کرده اند و سرباز جدیدی بنام مرخصی رفته اند و دیگرها زکشته اند و سیاه علی بنطور فردی و یا دست جمعی استفاده داده اند. از مدو دیگرگاه بیش ۵۰۰۰ (پنج هزار) نفر سیجی وارد آبادان کرده اند و قرار است که افراد بومی مسیح و سیاه را سرباز سرباز آوردن ارجحیها های جنگ برای یک دوره یکماهه برای دیدن دوره "فدوش" به احوال برسد.

و به نفع ارتشی (درجه دار و سرباز) را بحرم است که هنگام شنیدن خبر "بسی از ۲۲ نفر" کف میزنند. بازداشت کرده اند. این روزها سبب جرمی ها و مخالفین در ارتش و همچنین در مسیح بحث و جدال زیاد هست که گاهی به تهدید هم کشیده میشود.

گرمایشان

۶ مرداد دو موتور سواری به آیت اله اشرافی امضا شد. حمله برده و قصد سروری را داشته اند که هیچ آسیبی به او سرسبز ولی گویا در این حمله وزن زخمی میشوند و موتور سواری فرار میکنند. هفت گشته دختر ۱۲ ساله بر سر برتر و اکده را احثی روانی دیدند که در محله ...

۳۰ تیر ما یک دکان را در میدان سوم اسفند آتش زدند که منطبق به یک حزب الهی که رئیس شورای محل هم بوده میباشد. چیزی از دکان باقی نمانده است.

سراغ یک قالی فروش که در حوالی میدان شهداست و زمان آمدن بنی مدرسه متهدیرده ای برای او در خیابان نصب کرده بود آمده اند و گفته اند چون مالیات نفاذی ۱۰۰ هزار تومان ندهیهای نفاذی مالیاتی با بد دولت ندهی. اسن در حالیکه در همین خیابان نادری به قالی فروشها و دکا ساری های جرمی ۵ میلیون تومان وام داده اند.

(اورزیایی از انتخابات در مشهد)

از ده یا نوزده روز قبل از انتخابات مجلس تمام حیابان هزارا حزب الهی ها را تحضر اسلامی ها و غیره بیوستر چنانچه بودند و مرتب تراکت های کوچک تنها در خانه های مردم سانداختند. استقبال مردم از این تبلیغات چنان بود که ۸۰۰۰ اربوستر هیا را از سواریا کنندید. ساعت بغداد را در دوم سوم چسبیدن حزب آئین ها محسوس شدند و پوسترها را آتقدر سلاسرند تا دست کسی به آنها برسد.

سرای انتخابات ریاست جمهوری بحرث متخوان کف که ملی تشکیل شد. غیر از یکی دو مورد که دختران زرد و سیاه را سبب از آدمی را شکل رای دهنده. سارا از این صدوق به پای آن صدوق مسرند و میباشند نشان تا مف معسوعی انجام میشود. یک تنه از مردم عادی که از ترس شرکت کردند به "سی صدر" و "امام زمان" و "دست خرا" رای دادند. سعی تا هم محض های آسندار روز و رفته های رای نوشتند.

در یک حوزه در کمال سطح ۳۰ زن و ۳۰ مرد در صف دیده شدند. در حالیکه در حوزه های دیگر برنده برشمیرد. شما غت بعد همان افراد هوز در صف بودند. مثل صف حواریان. نازها بسیار محضای. سکه ای سانه با سدر اعات نشسته بودند. علت را حویا شدیم. یکی از بیان گفت اگر شما بولی هستید با شنوی صف؟ گفتیم بولی یعنی چه؟ مگر رای بولی میشود؟ جواب دادند که من شود. ما بخری ۵۰۰ تومان گرفته ایم!! بعد به نظر دستخرا گفت خوب مگر است من و شوهر و دو بچه ای جمعا ۲۰۰۰ تومان گرفته ایم. تا به فرار است ما هیانه هم بدهند! بعد بهمیدم این افراد را سخن به اسم ماری نژاد نهرانی از "قلعه باختمان" و حیابان ما حیابان توسط وانت به آنجا آورده بود. و آوردن و بردن آدمها با وانت از ساعت ۵ صبح تا ۱۰ شب همینطور ادامه داشت.

آبادان

و حدود دو هفته پیش (زمان نگارش خبر) مرداد است) یک هیئت برای سرسی ومع کمیته ۲۸ و به اصطلاح پاکمازی آن به آبادان آمده بود که گویا بوسله اسماعیل اسلامی مسئول کمیته ۲۸ مسئول این هیئت شنا سانی شده و معلوم شده که طرف رسنا خبری بوده است. کمیته ۲۸ ارگانی بوده که از ابتدای جنگ در جنگ شرکت داشته و حوز سنده یک انگیزه بر آرزو حاکم است و در سه مجبیه